

آینة ایران

حکومت هوشمند عزم جدی می‌طلبد

● احسان بداعی؛ ... جدای از اینکه عدم الحاق به دولت الکترونیک نادیده‌گرفتن بخشی از قوانین کشور است مسئله دیگری نیز می‌تواند در میان باشد و آن هم اینکه چرا برخی از دستنگاه‌ها با «غیر خودی» فرض‌کردن قوه مجریه به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه حاکمیت جمهوری اسلامی از اجرای سازوکاری که به شکل جدی در کاهش فساد و افزایش ضریب بهره‌وری و همین‌طور تسهیل امور شهروندان مؤثر است، سر باز می‌زنند؟ چنین رفتاری فقط در چارچوبی قابل پذیرش است که مجموعه‌ای مجموعه‌ای دیگر را به چشم یک نهاد موازی، رقیب و حتی متقابل ببیند. درحالی‌که دولت در ساختار جمهوری اسلامی نه موازی و نه مقابل دیگر نهادهاست، بلکه همه این مجموعه‌ها در کنار همدیگر به‌عنوان مکمل عمل می‌کنند. دولت الکترونیک یا مفهوم «حکومت هوشمند» تنها در شرایطی شکل خواهد گرفت که همه اجزا برای یک همکاری پیش‌رونده اجماع عملی حاصل کنند.

استیضاح پاسخ‌گونیست

طیبه سیاوشی؛ واقعیت آن است که این بروکراسی عریض‌وطویل و پیچیده‌ای که پیش‌روی ما قرار دارد، علاوه‌بر آنکه خسارت بزرگی را به کشور وارد می‌کند و مردم را در سرگردانی قرار می‌دهد، تولیدکنندگان را نیز از به‌میدان‌آمدن و ایجاد سنگنبنایی برای به‌حرکت‌آوردن چرخه اقتصادی و تولید شغل بیزار می‌کند. لذا لازم است به‌جای طرح استیضاح‌هایی که افق روشنی برای آنها وجود ندارد، قدمی برای کوتاه‌کردن بروکراسی برداریم. به اعتقاد من استیضاح‌هایی که اکنون یکی پس از دیگری مطرح می‌شود دیگر نمی‌تواند پاسخ‌گو باشد. سؤال اینجاست که چطور در زمان رای اعتماد به وزرا با اینکه بسیاری از نمایندگان به ناشناخته‌بودن آنها اذعان داشتند اما همه وزرا با رای بالایی راهی وزارتخانه‌ها شدند و اما حالا بعد از گذشت چند هفته از رای اعتماد به وزرا دوباره بساط استیضاح آنها علم می‌شود؟! این موضوع هیچ توجیه عقلانی ندارد و نمی‌توان آن را در راستای تدبیر اداره امور مملکت دانست. با مشاهده چنین وضعیتی این پرسش مطرح می‌شود که اگر این وزیر را شایسته نمی‌دانستید، چرا به او این چنین رای قاطعانه دادید؟ و اگر آن را قابل اعتماد می‌دانستید چرا در این زمان کوتاه عزمتان را برای استیضاحش جزم کرده‌اید و اتفاقا همان محسوری را که برای وزیر قبلی مطرح می‌کردید تنها با گذشت چند هفته از رای اعتماد برای وزیر فعلی مطرح می‌کنید؟ ایسن موضوع یک واقعیت را فریاد می‌زند و آن اینکه جابه‌جایی افراد تأثیری در بهترشدن شرایط موجود ندارد لذا باید این سیستم نظارتی را تغییر داد.

استیضاح ظرفیت!

جلال خوش‌چهره؛ تلاش مخالفان برجام برای استیضاح وزیر امور خارجه، نه از پوسته و ژست انقلابی برخوردار است و نه می‌تواند توجیهگر افکار عمومی در بزنگاهی باشد که دستگاه دیپلماسی کشور بیش از هر زمان به اعتبار و مشروعیت در داخل نیازمند است. درحالی‌که دولت ترامپ و متحدان منطقه‌ای آن در اقدامی گسترده به ناکارآمدکردن دیپلماسی فعال ایران مشغولند و سیاست خارجی بیشترین بار مسئولیت را در مقابله با آن بر دوش دارد، طراحان استیضاح وزیر امور خارجه بر اساس آنچه نزد خود هزینه و فایده می‌خواهند بر انجام این کار اصرار دارند. اما آیا به راستی ناکارآمدکردن دستگاه دیپلماسی کم‌هزینه‌تر از آن چیزی است که مخالفان برجام مدعی‌اند، اظهارات ظریف درباره سوادگران پولشویی وارد کرده است؟ وزیر امور خارجه در گفت‌وگوی شه‌ر شده‌اش با خبرنگاران، سخن پیچیده و اشاره به موضوعی گمنام نزد افکار عمومی و به‌ویژه نمایندگان مجلس و دیگر قوا نکرد.

تبعات خویشاوندسالاری درمدیریت

در دوران اصلاحات تجربیات خوبی در عدم استفاده فامیلی و خویشاوندی در عرصه‌های مدیریتی وجود داشت. به این علت که روحیات رئیس دولت اصلاحات هم به‌گونه‌ای نبود که قوم و خویشی را بر شایستگی افراد ترجیح دهد. در آن دوران افرادی بودند که ظرفیت مدیریتی بالایی داشتند و به رئیس دولت اصلاحات هم نزدیک بودند، اما ایشان افراد شایسته و دور از خود را ترجیح می‌داد. اما اکنون شاهد رفتارهای دیگری در انتخاب مدیران، مشاوران و معاونان هستیم. از آن جایی که در انتخاب معاونان و مشاوران وزرا، با رئیس دفتر رئیس‌جمهوری هماهنگی‌هایی صورت می‌گیرد، بعید است برخی انتصاب‌ها بدون رضایت دولت یا آقای روحانی انجام گرفته باشد. اکنون در نظام مدیریتی کشور یک خویشاوندسالاری هم شکل گرفته است. همین زن‌های خوبی که در آن زمان اجرا شده بودند همین سیاست در پیش گرفته شد. یکی از جلوه‌های بسیار بد دولت احمدی‌نژاد این بود که در مقام عمل یک موازی‌کاری با وزرا ایجاد کرد. به‌هر‌حال این شیوه‌ای بود که در آن زمان اجرا شد. مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دو دولتش به‌دلیل آنکه اختیار عزل داشت – که البته در انتخاب مدیران، مشاوران و معاونان هم به این کارملی به وزرا داد تا بتوانند با آرامش فعالیت کنند و به جرئت می‌گویم آقای هاشمی هیچ‌وقت در کار وزرا دخالت نکرد. در دولت آقای خاتمی نیز کم‌وبیش همین سیاست در پیش گرفته شد. یکی از اساس افرادی را به‌عنوان وزیر انتخاب می‌کرد که بتواند ره دستوری که می‌خواهد به آنها بدهد و ایشان نیز مهره‌های گوش‌به‌فرمان باشند. در آن زمان کابینه، کشور را اداره نمی‌کرد، بلکه یک بانده چندنفره متشکل از افرادی مانند مشایی، بقایی، ثمره‌هاشمی و... تصمیم‌گیرندگان دولت بودند. در آن دوران عموم تصمیم‌ها غیرکارشناسی بود و تمام کارمندان وزارتخانه‌ها از وزیر تا کارمندان میان‌رتبه موظف بودند اوامر نهاد ریاست‌جمهوری را اجرا کنند. انتظار می‌رفت آقای روحانی تجربه آقایان هاشمی و خاتمی را اجرا کند، اما متأسفانه

کا قریب به شش سال از انتخابات سال ۹۲

می‌گذرد و حسن روحانی نه‌تنها بخش مهمی از وعده‌های خود را عملیاتی نکرده، بلکه با تغییر دولت آمریکا دستاوردهای سیاست خارجی این دولت نیز متزلزل شده است. قبول داریم که احمدی‌نژاد و دولت او چنان هزینه‌های سنگینی بر پیگره ایران وارد کردند که جبران آن بسیار سخت است، اما دست‌کم انتظار این بود که در این سال‌ها بخش مهمی از آن نابسامانی‌ها جبران شود. به نظر شما دولت حسن روحانی تا چه میزان توانست به خواسته‌های مردم و نیز شعارهای انتخاباتی خود جامه عمل بپوشاند؟

دولت آقای روحانی توامان توفیق‌ها و ناکامی‌های مهمی داشته است و باید به تمام آنها به طور جامع نگاه کنیم. مهم‌ترین اقدام دولت نخست او به‌سرانجام‌رساندن مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به سند معتبری به نام برجام بود که این موفقیت مرهون سه عامل بوده است؛ نخست، اراده و تصمیم رئیس‌جمهور؛ به معنای آنکه آقای روحانی نشان داد عزم راسخی برای به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات داشت و برای تحقق آن از هیچ کوششی مضایقه نکرد و توانست علاوه‌بر آنکه به برجام دست یابد، ایران را از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد بیرون بیاورد. دومین علت، استفاده کامل از ظرفیت دیپلماسی بود؛ به‌نحوی‌که افرادی شایسته را برای پیشبرد مذاکرات گمارد و سومین دلیل توفیق مذاکرات هسته‌ای، حمایت رهبری بود. این شیوه، یعنی ترکیب سه علت فوق، آن‌قدر کاربردی بود که به نظر من می‌توانست الگویی برای تمام مسائل کشور باشد. آقای روحانی می‌توانست مهم‌ترین معضلات کشور را شناسایی کند و با اراده‌ای سرشار، تیمی شایسته را برای حل آنها تعیین کند و در کنار حمایت‌های مقام رهبری بر رفعشان بپردازد و بی‌تردید در تمام مسائل، اعم از اقتصاد، فرهنگ، جامعه و... این شیوه پاسخ‌گو بود. من نیز نمی‌دانم چرا رئیس‌جمهور از چنین تجربه‌ای در امور دیگر استفاده نکرد و واقعا افسوس می‌خورم. علاوه‌براین آقای روحانی در بعضی از حوزه‌ها هیچ تصمیمی نگرفت و اساسا به موضوع ورود نکرد. در بعضی از زمینه‌ها نیز نیروی‌های کارشناسی گماشته نشدند و در موضوعات دیگر، دولت حمایت رهبری را از دست داد. رئیس‌جمهور با مشکلات دیگری نیز مواجه شد. او نتوانست نه با اصولگرایان و نه با اصلاح‌طلبان که حامیان اصلی‌اش بودند، به شیوه‌ای تعاملی دست یابد و دولت روحانی در یک خلا کامل به‌سر برد. نیروهای کارشناسی معمولاً در میان اصولگرایان یا در میان اصلاح‌طلبان یا در بین اعضای سپاه حضور دارند. وقتی یک دولت نداند که می‌خواهد به کدام مسیر برود، به دولت در خلا تبدیل می‌شود. اگر آقای روحانی با جسارت کامل از اصلاح‌طلبان برای حمایت‌های انتخابی تشکر می‌کرد و می‌گفت که من یک اصولگرا هستم و تمایل به کابینه‌ای اصولگرا دارم، حتما یک دولت منسجم اصولگرا با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های آن جناح را تشکیل می‌داد یا برعکس اگر با اصولگرایان می‌گفت که فعلا با اصلاح‌طلبان در ائتلاف به‌سر می‌برم و کابینه‌ام را از میان اصلاح‌طلبان انتخاب می‌کنم، شرایط بسیار بهتر از وضعیت فعلی می‌شد یا حتی اگر می‌گفت که من فراجانحسی‌ام و می‌خواهم از نیروهای ارزنده نظامی و غیرنظامی استفاده کنم در وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به شرایط خلا کنونی در پیش‌رو داشتم.

ضعف دیگر دولت آقای روحانی تضعیف وزرا بود. برای تبیین این ضعف باید یک مثال تاریخی بزنم. در دولت آقای مهندس موسوی نخست‌وزیر، رئیس دولت محسوب می‌شد، اما پس از تعیین وزرا و اخذ رای اعتماد از مجلس، اختیار عزل آنها را نداشت و وزرا می‌توانستند از اجرای دستورات نخست‌وزیر امتناع کنند، به این دلیل آقای موسوی سعی کرد که به معاونان خود در ستاد نخست‌وزیری اختیارات بالایی بدهد و در مقام عمل یک موازی‌کاری با وزرا ایجاد کرد. به‌هر‌حال این شیوه‌ای بود که در آن زمان اجرا شد. مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دو دولتش به‌دلیل آنکه اختیار عزل داشت – که البته در انتخاب مدیران، مشاوران و معاونان هم به این کارملی به وزرا داد تا بتوانند با آرامش فعالیت کنند و به جرئت می‌گویم آقای هاشمی هیچ‌وقت در کار وزرا دخالت نکرد. در دولت آقای خاتمی نیز کم‌وبیش همین سیاست در پیش گرفته شد. یکی از اساس افرادی را به‌عنوان وزیر انتخاب می‌کرد که بتواند ره دستوری که می‌خواهد به آنها بدهد و ایشان نیز مهره‌های گوش‌به‌فرمان باشند. در آن زمان کابینه، کشور را اداره نمی‌کرد، بلکه یک بانده چندنفره متشکل از افرادی مانند مشایی، بقایی، ثمره‌هاشمی و... تصمیم‌گیرندگان دولت بودند. در آن دوران عموم تصمیم‌ها غیرکارشناسی بود و تمام کارمندان وزارتخانه‌ها از وزیر تا کارمندان میان‌رتبه موظف بودند اوامر نهاد ریاست‌جمهوری را اجرا کنند. انتظار می‌رفت آقای روحانی تجربه آقایان هاشمی و خاتمی را اجرا کند، اما متأسفانه

سیاست

بررسی عملکرد دولت حسن روحانی در گفت‌وگو با حسین مرعشی

روحانی باید در پیشگاه تاریخ پاسخ‌گو باشد



حسین مرعشی، نماینده مجلس شورای اسلامی

مهرشاد ایمانی

حسن روحانی پس از دولتی روی کار آمد که تقریباً تمام مناسبات سیاسی و اقتصادی را در هم شکست و ویرانه‌ای به نام دولت را از خود به‌جای گذاشت. محمود احمدی‌نژاد نه‌تنها در سیاست داخلی منشأ بی‌تدبیری‌های گسترده بود، بلکه با سخنان غیرمنطقی و خارج از عرف سیاسی، عرصه بین‌المللی را نیز بر مردم ایران تنگ کرد تا غربی‌ها بتوانند با اعتمادبه‌نفس بالا قطع‌نامه‌های بسیاری را در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران تصویب کنند. تمام اینها ثمره دولتی بود که در ابتدا ادعای حمایت از محرومان را داشت! بنابراین همه می‌دانیم که دولت روحانی برای بازسازی تمام این مشکلات، مسیری بسیار دشوار را در پیش داشت. اما پس از گذشت قریب به شش سال از ریاست‌جمهوری حسن روحانی، او نتوانست به شعارهای حداقلی خود که بیش از انتخابات سال ۹۲ و همچنین سال ۹۶ می‌داد، جامه عمل بپوشاند. گرچه او و تیم سیاست خارجی‌اش توانستند به یک توفیق مهم به نام برجام دست یابند، اما با روی‌کارآمدن نیروهای افراطی در آمریکا آن دستاورد نیز دچار تزلزل شد. حسین مرعشی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، باور دارد که اگر دولت روحانی پس از به‌نتیجه‌رسیدن برجام تدابیر ویژه‌ای برای پیشگیری از خروج آمریکا از این سند بین‌المللی می‌انديشید، چنین هزینه سنگینی بر ایران تحمیل نمی‌شد. او معتقد است دولت روحانی علاوه‌بر آنکه در عرصه سیاست داخلی چندان موفق نبود، پس از برجام در حوزه دیپلماسی نیز متفعل عمل کرد. با چنین گزاره‌ای معلوم نیست چرا دولت حسن روحانی از مقطعی به‌بعد نه‌تنها شعارهای انتخاباتی‌اش را از ی‌یاد برد، بلکه از میراث گران‌بهایی به نام برجام نیز حفاظت نکرد و مسئولیت تمام بحران‌های فعلی را بر دوش تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا گذاشت. برای بررسی بیشتر عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم ساعتی را با حسین مرعشی به گفت‌وگو نشستم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

تجربه دوره احمدی‌نژاد را برگزید و وزرا در دو دولت اخیر استقلال عمل ندارند و شخصیت ایشان آن چنان که در قانون اساسی آمده است، محترم شمرده نمی‌شود. البته هنوز زمان باقی مانده و بهتر است آقای روحانی تجدیدنظری اساسی در این موضوع بکند. آقای روحانی با بدشانسی‌های مهمی نیز در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای روبه‌رو شد. پس از به‌نتیجه‌رسیدن برجام یک دولت افراطی و نژادپرست در آمریکا روی کار آمد که معضلات بسیاری برای ایران و دیگر کشورهای جهان به وجود آورد و مهم‌ترین دستاورد دولت ایران یعنی برجام را زیر سؤال برد. از سوی دیگر عربستان نیز وارد فاز جدیدی از شرارت در منطقه شد. عربستان با وجود تمام مشکلاتی که در نظام سلطنتی‌اش دارد اما در گذشته میزانی از عقلانیت را رعایت می‌کرد و با عناصر باتجربه‌ای که در این کشور وجود داشت، اوضاع کنترل می‌شد. در دولت دوم آقای روحانی، عربستان دچار یک جوان‌گرایی پایتخته و توأم با شرارت‌بارترین سیاست‌ها شد؛ به‌نحوی‌که سیاست‌های نادرست این کشور در عراق و سوریه و دخالت‌های مستقیمش در یمن کویای رویکرد جنایت‌گونه بن‌سلمان در سطح منطقه‌ای است. رقابت‌های این‌چنینی در سطح منطقه‌ای از بدشانسی‌های دولت فعلی است. یکی دیگر از مسائل آنکه تمام دولت‌ها و مجالس با آن درگیر بودند، تخریب‌های رقیب

است. به‌همین‌طور است. رویکرد ترامپ به میزان درخ‌روشی توچه‌ی در ایجاد مشکلات فعلی مؤثر بوده، اما آقای روحانی نیز از دو جهت مسئولیت دارد؛ یکم اینکه دولت ایران باید پیش‌بینی روی‌کارآمدن ترامپ را می‌کرد و برای شرایط پس از ریاست‌جمهوری او تدابیر ویژه‌ای می‌انديشید. دیپلماسی ایران باید پیش از خروج آمریکا از برجام کارهایی را انجام می‌داد که آمریکا را محدود کند. به نظر می‌رسد در آن مقطع دولت اعتماد مقامات عالی را از دست داده بود و بسیار متفصل عمل کرد. آقای روحانی با آن عزمی که در روزهای نخست مذاکرات هسته‌ای داشت، از برجام پشتیبانی نکرد و روزی باید در پیشگاه تاریخ پاسخ بدهد که چه مشکلاتی در آن ایام وجود داشت. دوم آنکه رقیب گرچه همیشه به‌دنیال برهائی شکست بخورد تا اعتماد کاهش یافته را جبران کند.

آقای روحانی در مبارزه با فساد کوتاهی کرد اما یکی از مهم‌ترین علت‌های رشد فساد اقتصادی، نبود شخصیت‌های باتجربه و مصمم در نهادهای تصمیم‌گیرنده به‌خصوص مجلس است. وقتی آقای خاتمی در دوره مجلس ششم لوایح دوقلو را به مجلس ارسال کرد، گروهی متشکل از من و آقایان سلیمانی و محتشمی‌پور با نفراتی از شورای نگهبان شامل آقایان مؤمن، علیزاده و عزیزی درباره نظارت استصوابی مذاکره کردیم

باید متحد باشیم. از سوی دیگر به یاد داریم که در زمان قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایران با چنین فعالیت‌های گسترده‌ای داشت. اکنون چه اتفاقی افتاده که با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا چین هم روابط خوبی با ما ندارد؟ چند ماه است که ایران در چین سفیر ندارد و این به معنای مشکلاتی میان ایران و چین است، چینی‌ها رنجش‌هایی از ما دارند و دولت باید این رنجش‌ها را رفع کند. چین پیش از خروج آمریکا به دست کشیدن روحانی است و توجه ایشان با ۲۵ ساله همکاری با یکدیگر امضا کنیم. چرا آن قرارداد بسته نشد؟ ما با روسیه متحدیم و روابط استراتژیک خوبی داریم؛ چرا از ظرفیت‌های روسیه به طور کامل استفاده نمی‌کنیم؟ شنیدم که چینی‌ها و روس‌ها گلایه‌مند بودند که ایران پس از برجام آنها را رها کرد. چرا باید رها می‌کردیم؟ من متکرر مشکلات خارجی و فشارهای داخلی نیستم

اما با در نظرداشتن تمام این شرایط اگر تدبیر در کار بود، وضعیت فعلی به وجود نمی‌آمد.

کا شما گفتید یکی از مسائلی که از دوره وزارت است. در دولت نهم و دهم قبح فساد اقتصادی نیز شکسته شد که متأسفانه آن روحیه نیز در دولت فعلی جاری است. سخنان این نیست که دولت حسن روحانی تعمداً راه فساد اقتصادی را باز می‌کند بلکه موضوع ناظر بر نبود نظارت دقیق دولت بر شریان‌های اقتصادی و مدیران است که باعث فساد می‌شود. این موضوع را قبول دارید؟

فساد نه جناح می‌شناسد، نه دولت و نه مجلس. آقای روحانی در مبارزه با فساد کوتاهی کرد اما یکی از مهم‌ترین علت‌های رشد فساد اقتصادی، نبود شخصیت‌های باتجربه و مصمم در نهادهای تصمیم‌گیرنده به‌خصوص مجلس است. وقتی آقای خاتمی در دوره مجلس ششم لوایح دوقلو را به مجلس ارسال کرد، گروهی متشکل از من و آقایان سلیمانی و محتشمی‌پور با نفراتی از شورای نگهبان شامل آقایان مؤمن، علیزاده و عزیزی درباره نظارت استصوابی مذاکره کردیم. من به آقای مؤمن گفتم که سختگیری‌های شورای نگهبان و اعمال بدون ضابطه و سلیقه‌ای در تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات شاید از دید شما یک ضرورت سیاسی باشد اما کلیات سیاسی نظام را کاهش می‌دهد. همان اتفاق نیز رخ داد و اکنون با نمایندگانی مواجیم که فقط برای یک دوره آمده‌اند تا مسائل شخصی خود را حل کنند و بروند. دخالت‌هایی که مجلس در کار شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌کند و فشارهایی که برخی از نمایندگان با ابزار استیضاح به وزرا وارد می‌کنند، قابل انکار نیست. برای حل مسئله مفاسد اقتصادی عزم و اراده مشترک سه قوه لازم است و در کنار دولت دو قوه دیگر نیز کوتاهی‌هایی در این موضوع داشته‌اند.

کا دولت اصلاحات برآمده از یک پایگاه اجتماعی قوی بود که همان پایگاه اجتماعی را برای روی‌کارآمدن حسن روحانی نیز هزینه کرد. آیا با مشکلات عدیدهای که در دولت فعلی به وجود آمد، این پایگاه مردمی قدری متزلزل نشد؟ آیا می‌توان امید داشت که جبهه اصلاحات باز هم بتواند سردم را پای صندوق‌های انتخابات بیاورد؟

آقای روحانی هم در کاهش پایگاه اجتماعی اصلاحات و هم در کاهش محبوبیت خود تأثیر داشت اما در کنار رویکرد دولت و اقداماتی که انجام داده، باید به نقش رسانه‌های نظهور اینترنتی مانند شبکه‌های مجازی توجه داشت. در تمام دنیا شرایطی ایجاد شده که تمام اخبار با جزئیات درست یا نادرست در اختیار مردم قرار می‌گیرد. در کشوری مانند ایران تا چند وقت پیش تنها یک صداسیمای دولتی و چند روزنامه وجود داشت که از این روزنامه‌ها نیز تعداد محدودی سعی می‌کردند اخبار واقعی را در اختیار مردم قرار دهند. با چنین وضعیتی، ناگهان رسانه‌های مجازی انقلابی بزرگ در زمینه گردش اطلاعات ایجاد کردند. چنین نظام اطلاعاتی‌ای در ایران و تمام دولت‌ها عموماً به سیاست‌مداران را کاهش داد و پنبه مسئولان، احزاب و دولت‌ها رازد. گسترش فضای اطلاعاتی آن‌قدر بالا رفت که حتی اسناد دهه ۶۰ هم در اختیار عموم مردم قرار گرفت. همه اینها به این معنی است که دولت علاوه بر کاستی‌هایش شرایط ویژه‌ای را تجربه کرد. با در نظرداشتن چنین شرایطی باز هم اصلاح‌طلبان باید فعالیت کنند ولو آنکه در برهه‌ای شکست بخورد تا اعتماد کاهش یافته را جبران کند.

آقای روحانی در بعضی از وعده‌های خود نیز به طور کامل شکست خورد. برای مثال اگر نمی‌توانست مشکل حصر را حل کند، چرا این شعار را مطرح کرد؟

رفع حصر در حوزه اختیارات رئیس‌جمهور نیست. حتی آقای روحانی مدعی است که اصلاً این وعده را نداده است و می‌گوید که گفته من با حصر مخالفم و گفته حصر را رفع می‌کنم. **کا این ادعا بازی با کلمات نیست؟**

به هر حال هرچه هست بی‌پذیریم که حصر جزء حداقل‌هایی است که می‌شود از آقای روحانی گذشت زیرا واقعا و در مقام عمل در اختیار او نیست. باید متدب باشیم. از سوی دیگر به یاد داریم که در زمان قطع‌نامه‌های گسترده‌ای سازمان ملل متحد، ایران با چنین فعالیت‌های گسترده‌ای داشت. اکنون چه اتفاقی افتاده که با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا چین هم روابط خوبی با ما ندارد؟ چند ماه است که ایران در چین سفیر ندارد و این به معنای مشکلاتی میان ایران و چین است، چینی‌ها رنجش‌هایی از ما دارند و دولت باید این رنجش‌ها را رفع کند. چین پیش از خروج آمریکا به دست کشیدن روحانی است و توجه ایشان با ۲۵ ساله همکاری با یکدیگر امضا کنیم. چرا آن قرارداد بسته نشد؟ ما با روسیه متحدیم و روابط استراتژیک خوبی داریم؛ چرا از ظرفیت‌های روسیه به طور کامل استفاده نمی‌کنیم؟ شنیدم که چینی‌ها و روس‌ها گلایه‌مند بودند که ایران پس از برجام آنها را رها کرد. چرا باید رها می‌کردیم؟ من متکرر مشکلات خارجی و فشارهای داخلی نیستم

ادامه از صفحه اول

خاموشی برتولوچی

وی پایه زندگی انسان را وجدان، سیاست و نفس اغواگر می‌دانست. چندسالی بود که سرطان به جانش چنگ انداخته بود. اما نشسته بر ویلچر آخرین فیلمش «من و تو» را به پایان برد.

برتولوچی اعتقاد داشت سینما به هر روی نمایانگر جامعه‌ای است که کارگردان در آن زندگی می‌کند و می‌گفت: «خشونت و هیجان هالیوود برگرفته از بطن جامعه آمریکاست». به سال ۱۳۴۵ برای تهیه مستندی به سفارش تلویزیون ایتالیا به مینه‌ما سفر کرد؛ مستندی درباره نفت با عنوان «ریشه‌ها» ساخت که بخش اول آن در ایران فیلم‌برداری شد.

در این سفر که چندماهی پیش از خاموشی فروغ فرخزاد رخ داد، دیدار و گفت‌وگویی با وی داشت. برتولوچی دلداه و عاشق شرق بود. وی پس از بازگشت از ایران چنین گفت: – فلسفه آسیا و آفریقا برایم بسیار جذاب است. ایران، هند، چین، تبت و مصر کشورهایی هستند که در هر کدام از آنها می‌توانید شاهد تمدنی پیشرفته از فرهنگ و حکمت باشید. ۴۵ سال پیش، هنگامی که به ایران سفر کردم، با بانو فروغ فرخزاد دیداری داشتم. شخصیت من او بسیار نزدیک بود، چراکه او نیز مثل من هم شعر می‌سرود و هم به فیلم‌سازی شوق و علاقه فراوانی داشت.

در شرق ایده‌های ناب بسیاری وجود دارد. ایده‌هایی که ریشه در مذهب، تاریخ و باورهای انسانی دارد.

گفت‌وگوی ویدئویی برتولوچی را با فروغ فرخزاد بخوانیم. بی‌هیچ کم و کاستی...:

«برناردو برتولوچی: چه رابطه‌ای میان روشنفکران ایرانی با مکتب‌های ادبی و همچنین با مردمشان وجود دارد؟

اصولاً رابطه میان افراد یک جامعه موقعی می‌تواند ایجاد شود که یک رابطه معنوی که یک مقدار ایده‌آل‌های معنوی– ایده‌آل‌های مشترک معنوی توی جامعه وجود داشته باشد و در جامعه ما فعلاً یک چنین حالتی اصلاً نمی‌تواند وجود داشته باشد. برای اینکه ما در یک دوره تحول زندگی می‌کنیم دوره‌ای که مقدار زیادی از مسائل اخلاقی تمامی مفاهیم اخلاقی– هر چیزی که به اصلاح پیش از این سازنده جامعه سازنده روحیات جامعه ما بوده است، اینها همه به هم ریخته‌اند و حالا چیزهای مختلفی جای آنها اگرفته‌اند. حتی در میان روشنفکران ما هم هنوز رابطه‌ای شکل نگرفته است. به خاطر اینکه گفتم که آن چیزی که می‌تواند این رابطه را ایجاد کند و یک هماهنگی است در یک سلسله افکار– ایده‌آل‌ها– آرزوها– هدف‌ها و خواست‌ها که وقتی این هماهنگی وجود نداشته باشد طبیعی است که این رابطه هم نمی‌تواند به وجود بیاید و بنابراین اصلاً رابطه‌ای نیست. هر روشنفکر ایرانی تماشاچی جامعه‌اش است، جامعه‌ای که تقریباً بهش پشت کرده. روشنفکر آدمی است که در درجه اول یک فعالیت‌هایی می‌کند برای یک مقدار پیشرفت‌های معنوی، به این آدم‌ها بیشتر می‌شود گفت روشنفکر تا آدم‌هایی که یک سلسله فعالیت‌های مثلاً تکنیکی می‌کنند. مثلاً فعالیت‌های اقتصادی جامعه‌ای می‌کنند برای مثال برای ساختن یک سلسله ساختمان. به‌وجودآوردن یک سلسله کارخانه. به‌وجودآوردن یک سلسله چیزهایی که یک مقدار رفاه اقتصادی تو زندگی مردم ایجاد می‌کند. روشنفکر به نظر من آدمی است که فکر می‌کند برای حل مسائل معنوی زندگی؛ ما گفتم روشنفکر ایرانی پس مسئولیت محلی شد. مربوط می‌شود به ایران. من درباره آنجایی که دارم زندگی می‌کنم و راجع به آدم‌هایی که اطرافم هستند صحبت می‌کنم و این مسئله را قضاوت می‌کنم.

به نظر می‌رسد که فیلم شما درباره جدام و جذامی‌هاست. اما شما قصد بیان موضوع و مفهومی عمیق‌تر از مسئله جدام داشته‌اید.

بله این طبیعی است که اگر من فقط می‌خواستم یک فیلمی راجع به جدام درست کنم خب یک فیلمی محدود به مسئله جدام و جدام‌خانه می‌شد. یک فیلم جدی می‌شد. ولی این محل برای من که نمونه‌ای بود. یک کولی بود از یک چیز کوچک و فشرده‌شده‌ای از یک دنیای وسیع‌تر با تمام بیماری‌ها، ناراحتی‌ها و گرفتاری‌هایی که در آن وجود دارد و من وقتی که می‌خواستم این فیلم را بسازم، سعی کردم که به این محیط با یک چنین دیدی نگاه کنم.

آیا در ایران با مسائل زیادی روبه‌رو هستید؟ طبیعی است. اگر اسم این دوره را بشود گذاشت دوره شلوع‌خب– پس باید گفت که ما به انتظار نتیجه بالا رفتن این ساختمان‌هایی هستیم که به اصطلاح برای ایجاد یک مقدار پیشرفت مملکت لازم است و منتظر نتیجه این بالا رفتن‌ها و این ساختن‌ها هستیم. اکنون که غروب غول سینمای جهان را می‌نگرم، با خود می‌اندیشم در آسمان پرستاره سینما، در دوران شتاب، در روزگار فضاهای مجازی، در زمانه آرزوهای کوتاه و دیوارهای بلند... آیا ستاره‌ای دیگر به درخشندگی برتولوچی، دیده و دل ما و آیندگان را روشن خواهد کرد؟